

یکی از راههای شکوفایی عقل و استعداد انسان، انتقال و دریافت داده‌ها و اطلاعات است. چه بسیار کسانی که با داشتن استعداد فراوان و بالقوه، از نعمت علم و اطلاعات علمی محروم بوده‌اند. در حقیقت یکی از عوامل عقب ماندگی برخی از ملت‌ها، عدم دسترسی به منابع اطلاعاتی است. قرآن کریم سه شاخص مهم و معتبر برای دریافت اطلاعات معرفی می‌کند که عبارتند از: سمع، بصر و فؤاد. بسیاری از اطلاعات از طریق گوش و چشم به انسان راه می‌یابد. اما کانال اصلی دریافت علم، روح و قوه عاقله انسانی است که گاهی از آن به قلب و گاهی به فؤاد تعبیر شده است. «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ»^۱

بی‌گمان، در این، یادکردی است برای آن که دلی دارد یا (به سخن) گوش می‌سپرد در حالی که (خود) گواه است.^۲

از این رو است که خداوند سمع و بصر و فؤاد را مورد بازپرسی قرار می‌دهد.

«وَلَا تَقِفْ مَالِيَسْ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْقَوَادِ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^۳

و آنچه را نمی‌دانی دنبال مکن، که از هریک از گوش و و چشم و دل پرسیده خواهد شد.

تلاش رسانه‌ها در دنیای کنونی آن است که از طریق گوش، چشم و فکر در انسان‌ها نفوذ کنند و خواسته‌ها و اهداف خویش را به مخاطبان



دکتر محمدرضا ستوده نیا
استادیار گروه الهیات دانشگاه اصفهان

خود انتقال دهند.

با مطالعه تاریخ اسلام درمی یابیم که حکومت نبوی (ص) با استفاده از ساده‌ترین و اصولی‌ترین روشهای تبلیغ، آموزه‌های دینی را به مردم آموزش داده می‌شد و مسلمانان و حتی غیرمسلمانان در جریان آخرین اخبار وحی و تصمیمات حکومت اسلامی قرار می‌گرفتند. اینک به ذکر نمونه‌ای از ساختار تبلیغات در زمان رسول خدا (ص) می‌پردازیم.

۱- اذان:

اذان با داشتن ریشه وحیانی و محتوایی ملکوتی و موسیقی موزون و وزین و اثرگذار مهم‌ترین شعار اسلامی بود که فضای مدینه را در اوقات نماز پر می‌کرد. مردم در شبانه روز پنج بار به طور رسمی به ندای توحید و اقرار به نبوت رسول خدا (ص) گوش فرا می‌دادند و آن را تکرار می‌کردند. بلال مؤذن رسمی حکومت اسلامی بود که به دستور رسول الله (ص) تحت تعلیم و تربیت علی (ع) بود.

در مدینه نه مسجد وجود داشت که زمان اذان آنها با اذان بلال هماهنگ بود بلال در مسجدالنبی اذان می‌گفت و دیگران در مساجد محلات، و به این ترتیب در وقت نماز صدای اذان در تمام مدینه شنیده می‌شد.^۴ و فضای فکری و فرهنگی مردم تغییر می‌کرد و با ندای اذان رهسپار مساجد می‌شدند تا بندگی و عبودیت و صفا و صمیمیت و وحدت و یکپارچگی را در صفوف جماعت تجدید نمایند. افزون بر این، ندای اذان در غیر اوقات نماز، نشانه پدید آمدن امری ضروری بود که مردم باید در آن مشارکت می‌کردند.

۲- شعر

اگرچه شعر جاهلی در زمان پیامبر اکرم (ص)، در اوج فصاحت و بلاغت بود اما به لحاظ محتوا بسیار ضعیف بود. زیرا اغلب شاعران برای هجو و تمسخر

قبیله یا فردی از شعر استفاده می کردند. گاهی برای شرح افتخارات گذشته شعر می سرودند و گاهی برای تشویق مردم به جنگ و خونریزی و غارت قبایل مجاور خویش گاهی نیز به مدح امیران و پادشاهان می پرداختند و از این طریق مالی به دست می آوردند.

با پیدایش اسلام و مسلمان شدن عده ای از شاعران، پیامبر (ص) آنها را تشویق نمودند تا آموزه های اسلامی را در قالب شعر برای مردم بخوانند. این اشعار تأثیر بسیار زیادی بر مردم آن زمان داشت و حس ایمان و بندگی خدا و شجاعت و سرفرازی نسبت به مخالفان را در مسلمانان تقویت می کرد. کعب بن مالک، حسان بن ثابت و عبدالله بن رواحه از شاعرانی بودند که در مناسبتهای گوناگون با سرودن اشعار زیبا، روحیه مسلمانان را تقویت می کردند.^۵ گاهی در تنظیم صفوف لشکر اسلام و تمرینهای جنگی به طور دسته جمعی شعر می خواندند و شعار می دادند. این کار علاوه بر تحکیم روابط مسلمانان، باعث می شد تا دشمنان و مشرکین با شنیدن صدای دسته جمعی مسلمانان که حاکی از قوت و تعداد زیاد آنها بود، روحیه خود را از دست داده و تضعیف شوند.^۶

استفاده از شعر در خواندن رجز در صحنه های جنگ و میدان های نبرد تن به تن بسیار رایج بود و پهلوانان مسلمان نیز از این ترفند تبلیغاتی استفاده می نمودند. رجزهای منسوب به امیرالمؤمنین در جنگ با مشرکان بسیار مشهور است مانند:

أَنَا الَّذِي سَمَّتَنِي أُمِّي حَيْدَرَهُ

من کسی هستم که مادرم مرا حیدر نامید

كَلَيْتَ غَابَاتِ كَرِيهِ الْمَنْظَرَهُ

همچون شیر بیشه های وحشتناک

گفتنی است در ساختار تبلیغاتی حکومت پیامبر اعظم (ص) تنها شعری مطلوب بود که دارای محتوایی باشد که مخاطبان با شنیدن آن به سوی کمال رهنمون شوند. پیامبر (ص) به شدت از اشعاری که مشتمل بر افکار گمراه کننده و مطالب بیهوده بود نهی می کردند. در قرآن نیز تنها شاعران متقی و نیک

عمل ستایش شده اند و شاعرانی که سروده هایشان بازچه دست گمراهان است مورد نکوهش قرار گرفته اند.

والشعراء يتبعهم الغاؤون، ألم تر أنهم في كل واد يهيمون. وأنهم يقولون ما لا يفعلون. إلا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و ذكروا الله كثيراً و انتصروا من بعد ما ظلموا . . . ۷.

و از شاعران، گمراهان پیروی می کنند. آیا نمی بینی که آنان در هر درّه ای سرگردانند؟ و چیزهایی می گویند که خود عمل نمی کنند. مگر شاعرانی که ایمان دارند و کارهای شایسته انجام می دهند و خدا را بسیار یاد می کنند و پس از آن که مورد ظلم واقع شده باشند، داد می ستانند.

از مطالعه این آیه می یابیم که شعر به عنوان یک شاخص تبلیغاتی با شرایط خاص مورد پذیرش تفکر اسلامی است. شعری که برخاسته از ایمان و عمل صالح و احساس تکلیف و شجاعت و اقامه ی عدل باشد. چنین شعری می تواند در مخاطبان اثر فوق العاده ای داشته باشد.

تعیین خط مشی در به کارگیری شعر به عنوان یک عنصر تبلیغ به وسیله اسلام و تشویق پیامبر (ص) و ارزش نهادن به شاعران شجاع و جسور باعث شد تا پس از پیامبر (ص) و در عصر امامان معصوم (ع) شاعرانی شیرین زبان و متهور اشعاری در بزرگداشت اهل بیت (ع) بسرایند اگرچه اختناق و ظلم بر سراسر سرزمینهای اسلامی سایه افکنده بود. اما شاعرانی چون فرزندق معاصر امام سجاد (ع) و دعبل خزاعی معاصر حضرت رضا (ع) اشعاری نغز در مدح یا رثا و مظلومیت امامان شیعه (ع) می سرودند. در اینجا به ذکر یک نمونه از اشعار زیبا و جسورانه فرزندق می پردازیم. گویند هشام بن عبدالملک در زمان عبدالملک خلیفه اموی می خواست تا حجرالاسود را استلام کند اما کثرت جمعیت حاجیان در حال طواف مانع این کار می شد. در این حال امام زین العابدین علیه السلام وارد مسجدالحرام شدند و به طرف کعبه رفتند. مردم راه را برای ایشان باز می کردند و با کمال احترام نسبت به امام (ع) رفتار می کردند. یکی از همراهان هشام گفت: این چه کسی است که مردم به او احترام می کنند و

اینگونه راه را برای او باز می کنند. هشام برای آن که مردم شام که اطراف او بودند امام سجاد را نشناسند گفت نمی دانم. در این حال شاعر معروف، فرزدق که در نزدیکی هشام بن عبدالملک بود با کمال شجاعت شعری سرود و در آن، امام (ع) را با بیانی زیبا و بلیغ معرفی کرد. در اینجا فرازهایی از آن را ذکر میکنیم:

هذا الذي تعرف البطحاء طألته

(این کسی است که سرزمین بطحا (مکه) جای پای او و قدم او را می - شناسد.

والبيت يعرفه والحل والحرم

و خانه (خدا) وحل و حرم او را می شناسد

هذا ابن خير عباد الله كلهم

این فرزند بهترین بندگان خدا (یعنی فرزند امام حسین (ع)) است.

هذا النقي النقي الطاهر العلم

این شخص متقی، پاک و پاکیزه و برجسته است.

هذا ابن فاطمه ان كنت جاهله

اگر او را نمی شناسی! این فرزند فاطمه (ع) است.

بجده انبياء الله قد ختموا

به وسیله جد او (سلسله) پیامبران الهی پایان یافت. ۸.

هشام بن عبد الملک خشمگین شد و فرزدق را زندانی کرد. مشهور است که امام سجاد (ع) دوازده هزار درهم به عنوان کمک برای فرزدق ارسال فرمودند. فرزدق نخست هدیه را نپذیرفت و عرض کرد که این اشعار را برای خدا گفته است. اما با اصرار امام سجاد (ع) آنها را پذیرفت.

عنصر شعر به لحاظ بُعد تبلیغاتی چنان کارآیی داشت که اندکی پس از سروده شدن یک شعر در میان مردم شهرت می یافت و کوچک و بزرگ آن را می خواندند. بنابراین می توان گفت که یکی از مهمترین ابزارهای تبلیغاتی و اطلاع رسانی، شعر است که به وسیله آن می توان مفاهیم و مضامین دینی و اسلامی را به اقصی نقاط حکومت اسلامی منتقل کرد.

۲- منادیان یا رسانه‌های صوتی

در زمان رسول خدا (ص) در هنگام سخنرانی و ایراد خطبه‌ها و یا به منظور اطلاع رسانی برای رساندن صدا کسانی را که دارای صدایی رسا و بلند بودند در نقاطی میان جمعیت می‌گماردند تا کلمات و سخنان پیامبر (ص) را برای مردم تکرار کنند به این افراد «منادی» گفته می‌شد. ربیّه بن خلف یکی از این منادیان بود. گاهی امیرالمؤمنین علی (ع) کلمات رسول اکرم (ص) را به گوش دیگران می‌رساندند.^۱

مشهور است که حضرت علی (ع) مأموریت یافت تا آیات نخستین سوره توبه را در مکه بر مشرکین بخواند. این در حالی بود که مکه هنوز در تصرف مشرکان بود و فتح نشده بود. استفاده از «منادی» به عنوان یک رسانه صوتی امری رایج در آن زمان بود. مهمترین وظیفه یک «منادی» آن بود که پیام پیامبر (ص) را با دقت و بدون کاستی و زیادت به مخاطبان ابلاغ کند.

رساندن پیام رسول خدا (ص) به دیگران منحصر به منادیان نبود. پیامبر گاهی این وظیفه را بر عهده همه مسلمانان می‌نهادند و می‌فرمودند کسانی که حدیث مرا شنیده‌اند به غایبان برسانند. در مورد آیات قرآن هم مشهور است که می‌فرمودند «أَبْلِغُوا عَنِّي وَ لَوْ آيَةً» از سوی من قرآن را به دیگران ابلاغ کنید اگرچه یک آیه باشد.^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۴- مبلغان و قاریان قرآن

مبلغان کسانی بودند که تحت تعلیم پیامبر (ص) پرورش یافته و آیاتی از قرآن را که نازل می‌شده از حفظ می‌کردند. اینان تفسیر آیات قرآن، احکام فقهی، قرائت آن را به طور مستقیم از پیامبر (ص) یا امیرالمؤمنین علی (ع) می‌آموختند و در هنگام نیاز به قبایل یا سرزمینهای اطراف مکه اعزام می‌شدند. مشهور است که «مصعب بن عمیر» که جوانی خوش سیم و آگاه به قرآن بود برای آموزش تازه مسلمانان مدینه از سوی رسول اکرم (ص) به این شهر اعزام شد. یکی از خواسته‌های تازه مسلمانانی که به طور مخفیانه به مکه آمده

و در «عَقَبَه» با پیامبر (ص) پیمان بستند این بود که معلمی برای آنان به مدینه فرستاده شود تا احکام دین و قرآن را فراگیرند.

بزرگترین وظیفه شخص پیامبر (ص) تبلیغ و رساندن پیام الهی به مردم بود. «انما علیک البلاغ» (تنها، وظیفه تو رساندن (پیام) است).^{۱۲}

براساس سوره مائده پیامبر وظیفه پیدا می‌کند تا امر مهمی را به مسلمانان ابلاغ کند که اگر چنین نکند مثل آن است که رسالت الهی را انجام نداده است یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالته...^{۱۳} اگرچه پیامبر (ص) بارها وصایت و ولایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را مورد تأکید قرار داده بود اما در سال آخر عمر ایشان و در آخرین مناسک حج بهترین موقعیت برای ابلاغ این رسالت بود.

بسیاری از مبلغان پیامبر (ص) در راه تبلیغ دین و در سفر به سرزمین های حجاز و نجد و یمن و سایر قبایل به فیض شهادت نائل آمدند. درحقیقت کانون مسجد، در مدینه مدرسه ای بود که محصول آن، مبلغانی باتقوا و شجاع و با ایمان بودند که رساندن پیام الهی را از زبان رسول خدا (ص) به مردم سرزمینهای دور وظیفه خود می‌دانستند و در این راه از هیچ مانعی نمی‌هراسیدند.

مُبلِّغان دینی در زمان رسول خدا در واقع همان حافظان و قاریان قرآن بودند. به عبارت روشن‌تر مبلغان از میان حافظان و قاریانی انتخاب می‌شدند که نسبت به امر دین آگاهی داشته و دارای بیانی فصیح باشند. این حسن انتخاب باعث شد تا با کمک دیگر عوامل، اسلام با سرعت حیرت انگیز در سرزمین عربستان منتشر شود.

گفتنی است ساختارهای دیگری نیز در تبلیغ در زبان پیامبر (ص) وجود دارد که از حوصله این مقاله خارج است که می‌توان در آثار سیره نویسان آنها را مطالعه کرد.

نتیجه

در خاتمه بحث به این نتیجه می‌رسیم که پیامبر اکرم (ص) علیرغم موقعیت

زمانی و مکانی و محدودیت های فراوانی که بر سر راه ایشان وجود داشت با بهره جستن از عوامل تبلیغاتی زمان خویش، اقدام به اطلاع رسانی و تبلیغ در سطح گسترده نمودند. شاخص های تبلیغاتی در زمان رسول اکرم (ص) عبارت بودند از: مؤذن، شاعر مُنادی، مبلغ و قاری قرآن. گفتنی است مهمترین امتیاز تبلیغاتی رسول خدا (ص) آن بود که سیستم اطلاع رسانی وی هرگز با دروغ و باطل و لهو و لعب آلوده نشد. به عنوان نمونه شعر زمان ایشان هیچگاه با موسیقی همراه نبود و مبلغان هرگز برای تهییج و ترغیب مردم دروغ نمی گفتند و عنصر شعر خالی از اغراق و غلو و بزرگنمایی های کاذب بود.

مصادر و پی نوشت ها:

- ۱- قرآن کریم - سوره ق آیه ۳۷
- ۲- ترجمه ی قرآن اثر استاد علی موسوی گرمارودی
- ۳- قرآن کریم - سوره اسراء آیه ی ۲۶
- ۴- تراتیب الاداریه جلد ۱ ص ۷۷
- ۵- سیره ی ابن هشام - ج ۲ ص ۲۹۳
- ۶- بحارالانوار- ج ۲۲ ص ۲۵۱ - أسدالغابه جلد ۳ ص ۲۳۴
- ۷- سوره شعراء آیات ۲۲۴ تا ۲۲۷
- ۸- بشارةالمصطفی لشبیعةالمرتضی، محمد الطیری، تحقیق جواد قیومی، نشر اسلامی، ص ۳۷۵.
- ۹- أسدالغابه جلد ۲ ص ۲۰۹
- ۱۰- www.topuae.net/vb/print_thread.php
- ۱۱- قرآن کریم سوره آل عمران آیه ی ۲۰
- ۱۲- قرآن کریم سوره مائده ایه ی ۶۷